

## نسبت فقه با واقعیت بیرونی زندگی

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

سؤال<sup>۱</sup>: عبارت زیر در برخی از نوشته های شما آمده است: «علیرغم اعتقاد عمیقم به ضرورت واقع گرایی فقه و انتقاد شدیدم از واقعیت امروز فقه اسلامی در مکان ها و زمینه های مختلف...» آیا واقعاً وضعیت امروز فقه را دور از واقعیت می دانید؟ آیا نمونه هایی در این مورد وجود دارد. جزاکم الله خیراً.

پاسخ: فقه امروز - که منظور من در درجه اول بدنه مرکزی در حوزه های علمیه است که در دروس سطوح و خارج متجلی می شود - اصلاً از واقعیت زندگی دور نیست، اما در حد مطلوب به آن نزدیک نیست. ورود به نمونه ها و مثالهایی در این زمینه بسیار طاقت فرساست و سخن در این زمینه بسیار است که این موقعیت گنجایش آن را ندارد و شرایط اجازه آن را نمی دهد و شاید این کار نیازمند یک کتاب خواطر باشد.

مثلاً اگر دروس سطوح را مد نظر قرار دهیم، طلبه چندین سال هیچ مبحث جدیدی در فقه را نمی خواند. زیرا کتابهایی که او مطالعه می کند یا به صد و پنجاه سال پیش باز می گردد با کتاب المکاسب شیخ انصاری (۱۲۸۱ق) یا به پانصد سال قبل با کتاب الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیة از شهید ثانی (۹۶۵ق) باز می گردد و جز به ندرت چیز دیگری مورد اعتماد قرار نمی گیرد. اخیراً کتاب جدیدی در فقه استدلالی از شیخ باقر ایرانی دیده ایم که پس از کتاب اول

---

<sup>۱</sup> حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدين والاجتماع ۲: سوال ۳۱۳.

ایشان منتشر شده است، به طوری که یکی از دو کتاب بدیل لمعه و دومی بدیل مکاسب باشد آری، ما در این کتاب چیزهای تازه و توجه به مسائل نو پدید را می بینیم و این تلاشی شگفت انگیز و مشکور از این استاد فاضل است اما نمی دانم تا کنون کتاب دوم ایشان که جایگزین مکاسب است چقدر در حوزه های علمیه مورد استقبال قرار گرفته است.

اما اگر سری به دروس بحث خارج (تحصیلات تکمیلی حوزه علمیه) بزنید، نیز این مطلب را به خوبی می بینید، مثلاً امروز چیزی است که می توانم آن را تب مباحث حج بخوانم. همانطور که می دانید مباحث حج بسیار طولانی و پیچیده هستند که تدریس آن سالیان دراز به طول می انجامد، یکی از مراجع رحمه الله هشت سال حج درس داد، بین دروس عبادت چقدر است و آمار آن را محاسبه کن، امیدوارم مسئولان این امر خود را وقف انجام آمارهای مستند در این زمینه کنند، می توانم به جای ائتلاف وقت با تمام تحقیقات حج، تحقیقاتی را انتخاب کنم که بحث برانگیز است یا بیشتر محل ابتلاست یا جدید و نوپدید است یا در بردارنده دیدگاه جدیدی از سوی محقق باشد. همینطور است نسبت به نماز و طهارت، یکی از اساتید مشهور حدود دوازده سال پیش کتاب طهارت را تدریس می کرد و من در درس ایشان در بحث کتاب خمس حاضر می شدم - قبل از این که بحث طهارت را شروع کنند - و وقتی که بحث طهارت را شروع کردند درس ایشان را رها کردم و برخی از شاگردانی که در درس ایشان باقی مانده بودند به من گفتند که حکم طهارت و مطهریت آب باران را در بیست و پنج جلسه تدریس کرده است!!

همینطور می بینیم که برخی از اساتید ماه ها یا شاید یک سال، مباحث فروع علم اجمالی که ملحق به کتاب الصلاة از (العروة الوثقی) است را مورد مطالعه قرار می دهند که این فروعی است بیانگر فقه فرضی است و از جمله مثال های آن این است که اگر انسان در نماز شک کند که آیا الآن قبل از سجده اول از رکعت اول است یا در حالت تهش از رکعت دوم است یا این که می خواهد برای رکعت چهارم برخیزد حکم او چیست؟ این و بسیاری دیگر مانند آن.

امروز چند درس در حوزه های علمیه در مورد فقه بانک ها منعقد می شود و چند درس در مورد فقه عبادات به معنای عام آن؟ من در مورد استفتاءات سخن نمی گویم بلکه در مورد بحوث و مطالعات علمی سخن می گویم چند درس در مورد فقه استنساخ منعقد می شود و چند درس در مورد نماز جماعت؟ چند درس در مورد فقه روابط بین الملل منعقد شده و چند درس در مورد

فقه طهارت؟ چند درس در مورد فقه اقلیت ها و اهل ذمه وجود دارد و چند درس در مورد فقه روزه؟ چند درس در مورد قضایای پیرامون طب جدید و چند درس در مورد فقه حج برگزار می شود؟

حتی وقتی به سراغ دروس معاملاتی، مالی، اقتصادی و اجتماعی می رویم، می بینیم که بر اساس کتاب (العروة الوثقی) مباحث پیش می رود که مسائل آن به بیش از نود سال پیش برمی گردد! من نزد یکی از اساتید ممتاز فقه درس می خواندم و وقتی حدود شانزده سال پیش از این به بحث شرکت از کتاب (العروة الوثقی) رسیدیم استاد نقدی به کتاب شرکت از عروه زده و گفت که این کتاب موضوعات بسیار قدیمی را در برگرفته است و در مورد انواع شرکت های جدید صحبت کرد و بین فقه شرکت کتاب عروه و فقه شرکت از سنهوری در کتاب (القانون) مقایسه کرد اما وقتی شروع به تدریس کرد از همان الگوی قدیم پیروی کرد!

در حوزه علمیه از این قبیل مطالب فراوان است و برخی از مراجع برجسته معاصر که به تحقیقات اصولی معروفند، وقتی به بحث اطلاق و تقیید رسیدند، در بحث از اعتبارات ماهیت گفتند که تحقیقات زیادی وجود دارد که علما به آن پرداخته اند ولی هیچ نتیجه عملی نداشته است و از این موضوع متأثر بود اما بعد از آن گفت که ما به همین سیری که علما طی کرده اند عمل می کنیم!

امروز می توانید کتاب هایی را که آنها در مورد مسائل جدید نوشته اند را برای من بیاورید و بگویید: آنچه شما می گوئید نادرست است. این کتاب ها وجود دارد و من در این شکی ندارم، اما من در مورد فضای عمومی و جریان غالب با شما صحبت می کنم، اکثر کسانی که در مسائل فقهی جدید نوشتند، از کسانی هستند که به نهضت اسلامی بسیار نزدیک هستند یا به بدنه قانونی در جمهوری اسلامی ایران به شمار می روند که بسیار اندک اند همچنان که در بدنه جوان حوزه تا حدود معینی این چنین پیگیری ها و مشارکت های در مجلات، نشریات، همایش ها و انجمن ها دیده می شود اما وقتی به عصب حیاتی حوزه علمیه و طبقه فقهای درجه اول و دوم، می رسید عده کمی را می بینید و می بینید که امثال شیخ ناصر مکارم شیرازی، علامه سید محمد حسین فضل الله، سید محمود هاشمی، سید کاظم حائری و سید محمد باقر صدر و سید محمد صادق صدر و شیخ محمد مومن و آقای محسن خرازی و دیگران (از نسل قبل!!)

بسیار اندک هستند. در مقایسه با هزاران استاد حوزه علمیه و صدها فقیه و مجتهدی که هر روز تقریباً هزاران سخنرانی دارند.

من در مورد امید به یک نهضت و چالش های مرحله صحبت می کنم و نه در مورد مشارکت ها، بنابراین نباید این موضوع برای ما مشتبه شود. این سخنانی که می گویم محتوای برخی از جلسات خصوصی برخی از فقها است که در جلسات غیرعلنی آن را بیان داشته اند و از این واقعیت ابراز درد می کنند، از راه نزدیکی به من رسید که شخصیت بزرگ و برجسته ای در امت اسلامی امروز، در جلسه خصوصی با جمعی از فقها در قم حدود یک سال پیش با صراحت و جسارت تمام می گوید: حوزه در تنگنا است و اگر قیام نکنیم در آستانه مرگ هستیم. این دقیقاً تعبیر ایشان است طبق آنچه که برای من نقل شده است و الله العالم. یکی از علما مدت کوتاهی پیش این موضوع را مطرح کرد و مردم از وی این سخن را - با صرف نظر از موضع ما نسبت به این کلام - شنیدند و چه بسا این ششقه ای که از زبان ایشان خارج شده موجب عبرت گیری و تلاش برای جبران و تنبه و بیداری افراد غافل و تلاش و عجله بیشتر شود.

خیلی ها در مورد من می گویند من یک فرد بدبین هستم. این حالت از ده سال پیش در من ایجاد شده است که روز به روز بدبینی من نسبت به وضعیت فرهنگی دینی در فضای موسسه دینی، بیشتر می شود و از صمیم قلب به درگاه خداوند دعا می کنم و امیدوارم که من در این بدبینی ذهنی اشتباه کنم، اما دعای من تاکنون مستجاب نشده است. می دانم که حقیقت و شنیدن آن سنگین است، پس هر که در گفته های من سنگینی یا بار زخمی دردناک احساس می کند عذر مرا بپذیرد و چه بسا از خداوند بخواهم که وی درد این بدبینی را نچشد و چه بسا روزی فرا رسد که امور تغییر کند و پرده ها کنار رود و انسان پیرامون خود را بهتر ببیند.

همچنان که شاعر می گوید:

قد کان ما کان ممّا لست أذکره      فظن خیراً ولا تسأل عن الخبر

من معتقدم حوزه علمیه از ابتدای قرن بیستم شاهد نهضت های بسیار چشمگیری بوده است و به ویژه نهاد دینی شیعه شاهد تحولات و پیشرفت هایی بوده است که از نظر عمق و کیفیت

برخورد بسیار فراتر از تحولات فقهی است که اهل سنت شاهد آن بوده است. این سخن یک تفاخر مذهبی نیست بلکه اینها حقایقی است برای کسانی که به این دو گروه نگاه کرده و آن‌ها را با هم مقایسه کرده اند، بزرگانی در جامعه شیعه در این قرن ظهور کرده اند که ما به آنها غبطه می‌خوریم، اما کارها فقط با تداوم به دست می‌آید و معیار عاقبت و نتیجه نهایی امور است.

من احساس می‌کنم که این رشد در سطوح فکری، آگاهی اجتماعی و فرهنگی از سپیده دم هزاره سوم عقب نشینی کرده است و این چیزی است که ما را به قیام مجدد یا بهتر بگوییم ادامه پیشروی مجدد به سمت بهترین‌ها فرا می‌خواند. من در درجه اول از دهه گذشته سخن می‌گویم و یک دهه در زمان ما معادل یک قرن در دوره‌های قبل یا بیشتر است.

من معتقدم که لازم است همه اساتید تحصیلات تکمیلی در حوزه بر روی مسائل جدید تمرکز کنند و مسائل قدیمی را فقط به ده درصد آنها بسپارند تا تحقیقات در آنها ادامه یابد تا در هر امر جدیدی کمک کنند نه آن که برعکس باشد. تجربه شخصی خودم را به عنوان یک نمونه که به چشم خود دیده‌ام برای شما بازگو می‌کنم. اولین بحثی که در بحث خارج تدریس کردم، بحث جهاد و روابط بین الملل بود که به مدت سه سال آن را تدریس کردم و آن جا بود که دیدم که چطور این مباحث برای سال‌ها مورد بحث قرار نگرفته است جز در موارد بسیار اندک، علیرغم اینکه قرن نوزدهم و بیستم قرن جهاد و ارتباط با غرب بوده است و من در درون خودم به خاطر قلت مباحث جدی در این زمینه در سطح تحقیقات فقهی، بسیار شگفت زده شدم. بروید و امروز تحقیق کنید که در عصر جدید چند کتاب در مورد انقلاب علیه ظلم در عصر غیبت از نظر فقهی، انقلاب خونین یا مسلحانه نوشته شده است و تکرار می‌کنم: تحقیق فقهی، متوجه می‌شوید که درصد آن کم است که با حجم چالش‌هایی که در نیم قرن گذشته داشته‌ایم قابل مقایسه نیست. باید حوزه‌های علمیه به لحاظ فقهی - علاوه بر همراهی سیاسی و ...، که ما آن را انکار نمی‌کنیم یا از آن کم نمی‌کنیم. اما بحث ما فقهی است - همراهی بیشتری می‌کردند شما در موضوع انقلاب تعداد کمی از کسانی را که به صورت فقهی به این موضوع پرداخته‌اند مانند آقایان کاظم حائری، شیخ محمد مهدی الاصفی و شیخ محمد مهدی شمس الدین و شیخ حسین علی منتظری و امثال آنها، می‌بینید. به همین دلیل بر تدریس فقه جهاد اصرار داشتیم.

بعد از آن دیدم که فقه امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به سوی خدا در مطالعات فقهی ما دچار نقص اساسی است و حتی به کلی مغفول مانده است و با وجود مشکلات فراوان امروز به جهت ذهنیت دعوتی و به جهت فرایندها و ابزارهای امر به معروف و نهی از منکر، به طور مختصر و گذرا به آن پرداخته می شود. از این رو، یک سال تمام خود را وقف آموزش آن کردم و الحمدلله در یک مستقل این بحث منتشر شد.

بعد تصمیم گرفتم مباحث فقهی را انتخاب کنم که بحث برانگیز است یا نظر جدیدی دارد یا منشأ ابتلا است یا مسئله ای جدید و نوپدید است، لذا به یک سری موضوعات از این دست پرداختم مثل احتکار، حقوق جنسی زن، فقه سایه زنی و مسائل آن در حج، فقه جدال و مناظره در حج، تراشیدن ریش و قاعده مانع در باب طهارت، مسئله طلاق خلع و فدیة آن، فقه روابط اسلامی - اسلامی، موضع فقهی در مورد علوم فلسفی، موضع در مورد اشتغال زنان و چالش های آن، اخراج غیرمسلمانان از جزیره العرب، فقه محیط زیست و سلاح های کشتار جمعی، فقه اهل بغی و جهاد ابتدایی، مرجعیت فتوا برای زنان و شهادت به زنا، وقف نقدی ..، فقه نگاه غیرمستقیم از طریق تلویزیون و سایر موارد جدید، فقه استخاره و مسائل آن، عبادیت مالیات های اسلامی، فقه مصافحه زن و مرد، اشتراط ایمان و تشیع برای مستحقین خمس و زکات و تأثیر آن در شهروندی، فقه آزادی های فکری و فرهنگی رسانه ها، فقه سنگ اندازی در حج و سایر تحقیقات - اعم از چاپ شده یا چاپ نشده - که معتقدم روش تحقیق فقهی گاهی باید معطوف به آثار نتایج از آن باشد.

از خداوند می خواهیم که به همه ما توفیق خیر و هدایت به حق را عنایت فرماید و وضعیت ما را به نحو احسن بهبود بخشد و به این ملت مرحوم لطف کند.